

دهه هشتادی‌ها

نظام را، از جهت خلق و خو و رفتار دارند.

- در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول نسبت به گذشته (دوره راهنمایی تحصیلی) مفاهیم عمیق‌تر ارائه شده و آموزش باید به گونه‌ای باشد که خود دانش‌آموزان در شکل‌گیری مفهوم نقش ایفا کنند.

- در روش‌های تدریس معلمان تازه نفس، زمینه‌های نوآوری و خلاقیت برای فهم بهتر مطالب بیش از گذشته است.

- باید دانش‌آموزان را دوست داشته باشیم تا بتوانیم از این طریق آن‌ها را در جلو بردن برنامه‌های یادگیری مشارکت دهیم.

- دهه هشتادی‌ها، برای امروزشان اهمیت بیش‌تری نسبت به آینده‌شان می‌دهند. به عبارتی فرزندان ما به نیازهای «آنی» خود اهمیت بیش‌تری می‌دهند تا به نیازهای «آنی»‌شان. پس ضروری است با خواسته‌های امروز آن‌ها بیش از گذشته آشنا شویم.

همکاران شرکت‌کننده در جلسه به این نکته مهم نیز رسیدند که پس از این شناخت سطحی از دانش‌آموزان باید خودمان نیز «تغییر نگرش در ابعاد مختلف» داشته باشیم. تغییر نگرش ما در عمل و رفتار ما تأثیر دارد. برای تغییر نگرش باید اطلاعات لازم را به دست آوریم!

اطلاعاتی مانند اینکه:

- کتاب‌های درسی دوره‌های متوسطه اول و دوم بر چه اساس و رویکردی نوشته شده است؟

- نقش معلمان در رویکرد جدید برنامه درسی چیست؟

- پیش از ما، همکاران ما در دوره متوسطه اول با چه رویکردها و الگوهایی مطالب را با این دانش‌آموزان کار کرده‌اند.

- شیوه‌های ارزشیابی مستمر و پایانی آن‌ها چگونه بوده است؟

یکی از زمینه‌هایی که در تغییر به ما کمک می‌کند جدی گرفتن نقد و فضای نقد است. مجله رشد معلم همچون گذشته منتظر نقدهای شما درباره مطالب مجله می‌باشد. شورای برنامه‌ریزی مجله آمادگی دارد تا با حضور در مدارس شما و یا دریافت نوشته‌های شما، گوش شنوایی برای شنیدن نظرات و پیشنهادهاى شما باشد.

پاییز طبیعت مقارن با بهار علم و دانش است. زمانی که طبیعت به مرحله تغییر رنگ می‌رسد و برگ‌های سبز درختان که برای ما در بهار زیبایی و شادابی خاصی داشتند به سمت انواع رنگ‌های زرد، سرخ و قهوه‌ای و ... می‌روند، زیبایی طبیعت با این تغییر دو چندان می‌شود. شاید یکی از نگرانی‌های بزرگ ما درباره تغییر همین باشد که اگر تغییر کنیم نمی‌توانیم مثل گذشته عمل کنیم؛ اما آموزگار طبیعت به ما می‌آموزد که با تغییر هم می‌توان زیبا بود و وظیفه خود را درست انجام داد.

دوستان! گاهی که با مقاومت در برابر تغییر مواجه می‌شوم، احساس می‌کنم «ما چقدر در اسارتیم»؛ در اسارت باورها، در اسارت ساختارها، در اسارت مدل‌های ذهنی و ... در اسارت‌هایی فارغ از دیوارهای بلند اردوگاه‌ها و میله‌های زندان‌ها ولی بسیار مقاوم‌تر! و شاید مهم‌ترین زمینه‌ساز آزادی از این اسارت، تفکر است و تفکر.

تفکر درباره اینکه اگر تغییر نکنم چه خواهد شد؟ اگر بخواهم تغییر کنم از کجا باید شروع کنم؟ تغییر من در چه زمینه‌هایی باید باشد؟ و ...

تجربه زیسته‌ای دارم که بیان آن می‌تواند زمینه‌ای باشد برای اندیشیدن درباره «تغییر» و ایجاد «گفتمان‌سازی تغییر» گفتمان به معنی یک جریان فکری جمعی است که باید همه عوامل مؤثر در آموزش و پرورش با آن آشنا و عامل به آن باشند.

در آخرین روزهای خرداد ماه سال ۹۵ به جلسه‌ای در یک دبیرستان متوسطه دوم دعوت شدم. ویژگی خوب جلسه این بود که معلم و معاونی از مدرسه متوسطه اول هم به این جلسه دعوت شده بودند. سؤال اصلی جلسه این بود که «دانش‌آموزانی که از دوره متوسطه اول وارد دوره متوسطه دوم می‌شوند چه ویژگی‌هایی دارند و باید با آن‌ها چگونه تعامل کنیم؟»

پس از گفت‌وگوهای مختلف به این نتیجه رسیدیم که:

- برای داشتن تعامل مناسب و اثربخش با آن‌ها، باید ویژگی‌های نوجوانان دهه هشتادی، یعنی نیازها، علایق و خواسته‌های آنان را بشناسیم.

- این گروه از دانش‌آموزان از جهت سن تقویمی یک سال بزرگ‌تر از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام گذشته هستند. و شاید بشود گفت ویژگی‌های دانش‌آموزان دوم دبیرستان آن